

# قرآن، گستره معانی و رابطه آن با جاودانگی

سیدمهدی احمدی نیک \*

## چکیده

پاسخگویی قرآن به نیازهای روز و اعتقاد به جاودانگی و ابدیت آن از باورهای مسلمانان است. این باور، اندیشمندان مسلمان را بر آن داشته تا درباره مسئله «چگونگی پاسخگویی قرآن در گستره زمان ها و جاودانگی آن» بحث کنند و پاسخ های مطلوب و عقل پسندی ارائه دهند. این بررسی ها به نتایج و نکات ارزشمندی منتهی شده و چگونگی پاسخگویی قرآن به نیازهای گوناگون عصرها و نسل ها روشن شده است، به یقین یکی از نکات مهم، مسئله گستره معانی آیات قرآنی است که می تواند پاسخگوی این نیازها باشد و در روایات نیز بر آن تأکید شده است. این پژوهش به دنبال بررسی این مسئله در روایات است که با عنوان ظاهر و باطن مطرح شده است.

**کلیدواژه‌ها:** قرآن، عبرت، روایات، ظاهر، باطن، گستره معانی، رابطه، جاودانگی.

استاد معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، ایران. M.ahmadineck@yahoo.com  
دانشگاه آزاد اسلامی واحد جیرفت.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰ / ۴ / ۲۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰ / ۲ / ۱۳

## مقدمه

امام رضا(ع) از پدر بزرگوار خود امام موسی بن جعفر نقل می فرمایند: مردی از امام صادق(ع) پرسید: چرا چنان است که قرآن هرچه بیشتر پخش شود و بیشتر درباره آن بحث شود تازه تر و شاداب تر می شود؟ در پاسخ امام فرمود: خدای متعال آن را مخصوص زمانی خاص غیر از زمان های دیگر و مردمانی جز مردمان دیگر قرار نداده است به همین دلیل است که در هر زمان نو و جدید و در نزد هر قومی تا روز قیامت تازه است.

نگارنده که سال هاست به مطالعات قرآنی مبادرت ورزیده و از محضر استادان ارجمند در حوزه تفسیر و علوم قرآن بهره مند بوده و به دلیل تدریس دروس معارف در دانشگاه ها و شرکت در برخی از نشست های علمی با پرسش هایی از سوی محققان و پژوهشگران و یا دانشجویان مواجه بوده است، از جمله این پرسش ها اینکه چگونه معارف وحیانی که در صدها سال قبل نازل شده است می تواند پاسخگوی نیازهای متعدد و روزافزون و نامحدود نسل ها در عصرهای گوناگون باشد. پس از تحقیقات بسیار به نتایجی دست یافته که آنها را در سه نکته بیان می کند:

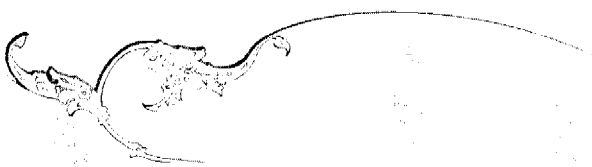
۱- گستره نامحدود و ژرف معارف قرآن کریم،

۲- همگرایی قرآن و عترت،

۳- تفکر، تدبر و اجتهاد مستمر در قرآن کریم،

بدون شک پرداختن به تمامی این نکات و یا یکی از آنها به طور همه جانبه نیاز به بررسی های فراوان دارد. در اینجا ما فقط به نکته اول می پردازیم.

با نگاهی به روایات و نیز گفتار اندیشمندان قرآنی کاملاً به دست می آید که قرآن کریم دارای معانی گسترده، ژرف و عمیق و نامحدود است، زیرا که قرآن کلام خداست و کلام خداوند صفت اوست. همانگونه که خداوند بی نهایت است فهم کلام او نیز نهایی ندارد. از این رو قرآن کریم از حیث گستره معانی نامحدود است و گذر زمان هیچ گونه تأثیری بر تازگی کلام الهی نخواهد گذاشت و با وجود برداشت های گوناگون اندیشمندان از عصر نزول تاکنون به فراخور





دانش و آگاهی های خود و تألیف صدها تفسیر و هزاران کتاب درباره قرآن کریم هنوز هم مطالب جدید و درعین حال ناپیدا در آن بسیار است و بدین جهت تأمل و تدبر در قرآن کریم سبب پیدا شدن معانی جدید و گستره های نو در آن است. چنانکه در سخنان معصومین به این مطلب تصریح شده است: «لا تحصنی عجائبه و لا تبلی غرائب» (کلینی، ۱۴۰۱ق، ج ۲، ۵۹۹) و یا «لا تفنی غرائب و لا تنقضی عجائبه» (دشتی، ۱۳۸۰، خ ۱۵۲: ۲۸۰) نوآوری های آن پایان نمی گیرد و شگفتی هایش تمام نمی شود. پوشیده نباشد که این بحث در روایات با عنوان ظاهر و باطن یا ظهر و بطن مطرح شده است و نگارنده از آن به گستره معانی تعبیر می کند.

## مفهوم شناسی

### ۱. مفهوم لغوی

واژه بطن و ظهر برای آشنایان به زبان عربی و حتی فارسی چنان روشنی و وضوحی دارد که چندان نیازی به پرداختن همه جانبه معنای لغوی برای شناخت مفهوم آنها احساس نمی شود اما برای آگاهی از برخی ظرافت ها و دقایق اشاره به سخن برخی از واژه شناسان لغت عرب در این باره خالی از فایده نیست.

خلیل بن احمد فراهیدی در این باره آورده است: بطن هر چیزی خلاف ظهر است مانند بطن الارض و ظهرها و باطن خلاف ظاهر است، به این گونه که در قرآن آمده است:

«مُتَكِنِينَ عَلَى فُرُشِ بَطَانِنِهَا مِنْ إِسْتَبْرَقٍ...» (الرحمن: ۵۴)

در برخی از منابع لغوی ظواهر معنی شده است. (فراهیدی، ۱۴۰۸: ج ۷، ۴۴۰)

ابن منظور در این باره آورده است: بطن از انسان و حیوانات دیگر معروف است بطن خلاف ظهر است. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۱۳، ۵۲)

راغب اصفهانی که واژه شناسی دقیق است در کتاب بی مانند خود به نام المفردات آورده است: اصل بطن عضوی از بدن است که جمع آن بطون است، خداوند می فرماید:



«وَ إِذْ أَنْتُمْ أَجُنَّةٌ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ» (نجم: ۳۲)

«انگاه که شما جنین هایی در شکم مادرهایتان بودید»

و قد بطنته یعنی به بطن و عمق آن رسیدم، بطن ضد ظهر است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶: ۱۳۰) تقریباً همین معانی در کتب دیگر نیز آمده است. (قرشی، ۱۳۷۷: ۲۰۱)

## ۲. مفهوم اصطلاحی

قبل از پرداختن به گستره معانی آیات قرآنی از منظر روایات، لازم است به دیدگاه مفسران و اندیشه وران قرآنی در این باب که خود ریشه در آیات و روایات دارد بپردازیم و به طور خلاصه برخی از این دیدگاه ها را بیان کنیم:

### دیدگاه شیخ طوسی

شیخ طوسی که خود یکی از اندیشمندان معروف شیعه و دارای تألیفات فراوان در زمینه های گوناگون از جمله تفسیر است در این باره سخنی دارد که قابل توجه است. وی در این باره پس از نقل از پیامبر گرامی اسلام می گوید:

«همین روایت را اصحاب ما از امامان معصوم نقل کرده اند که چهار وجه در معنای آن محتمل است:

اول: همان مطلبی که از امام باقر و امام صادق نقل شده که منظور از داستان های هلاکت امت های پیشین است و باطن آنها موعظه است برای دیگران.

دوم: همان سخن ابن مسعود است که گفت هیچ آیه ای نیست مگر آنکه قومی بر طبق آن عمل کرده (ظاهر) و قوم دیگری به آن عمل خواهند کرد (باطن).

سوم: همان سخن طبری که مورد قبول برخی نیز بوده است یعنی ظاهر قرآن لفظ آن و باطن قرآن تأویل آن است.

چهارم: همان سخن حسن بصری که گفته است: « شما هرگاه از باطن آیه جستجو کنید و



آن را بر ظاهر آیه قیاس کنید بر معنای آیه وقوف می یابید.» (شیخ طوسی، ۳۷۶: ج ۱، ۹)  
همان گونه که از سخن بالا به دست می آید، شیخ طوسی روایت مذکور از پیامبر را بیان  
و به دیده قبول تلقی کرده و در صدد بیان معنای آن برآمده است و از آنجا که هیچ کدام را  
رد نکرده است، شاید بتوان نتیجه گرفت که هر کدام از وجوه بالا در نگاه ایشان از مصادیق  
ظاهر و باطن به حساب می آیند.

### دیدگاه آیت الله بروجردی

حضرت آیت الله بروجردی که یکی از ژرف کاوان احادیث و روایات در تاریخ معاصر است،  
بطون قرآن را عبارت از معانی گوناگون می داند که به حسب اختلاف مراتب علمی و درجات  
معرفتی انسان ها از قرآن کریم به دست می آید و در این باره می گوید:

«فإن أرباب النفوس الكاملة يستفيدون من الآيات الشريفة ما لا يخطر ببال المتوسطين فضلاً عن  
العوام و أرباب النفوس الناقصة. فالبطون السبعة و السبعون إشارة إلى اصول المراتب الكمالية لنفوس  
البشر التي باختلافها يختلف مراتب الاستفادة من الآيات القرآنية» (بروجردی، ۱۳۷۵: ۵۶)

به درستی که انسان های کامل و دارای اندیشه کامل برداشت ها و استفاده هایی از قرآن کریم  
می برند که به فکر و تصور انسان های متوسط نمی رسد تا چه رسد به عوام از مردم. بنابراین  
بطن های هفتاد و هفت گانه برای قرآن کریم به اساس مراتب کمالات انسانی اشاره دارد و بر  
همین اساس مراتب استفاده از آیات قرآنی نیز متعدد می باشد.

### دیدگاه علامه سید محمد حسین طباطبایی

ایشان در تفسیر المیزان و نیز در موارد دیگر با بحث مفصلی از گستره معانی قرآن کریم بر  
این مطلب تأکید کرده و می گوید:

ظهور و پیدایش یک معنای ساده و ابتدایی از آیه و ظهور معنای وسیع تری به دنبال آن و  
همچنین ظهور و پیدایش معنایی در زیر معنایی در سرتاسر قرآن مجید جاری است و با تدبیر

در این معانی، معنای حدیث معروف که از پیامبر اسلام نقل شده است روشن می شود:  
«أَنَّ لِلْقُرْآنِ ظَهْرًا وَ بَطْنَاً وَ لَبْطَنَةً بَطْنًا إِلَى سَبْعَةِ أَبْطِنٍ» (طباطبایی، ۱۳۶۱: ۲۸)

### دیدگاه امام خمینی

حضرت امام خمینی که خود فقیهی برجسته و در زهد، عرفان، فقاہت، معنویت، درایت و سیاست شهره آفاق است، در این باره می گوید:

«فَبِإِنَّ لِلْقُرْآنِ مَنَازِلَ وَ مَرَاحِلَ وَ ظَوَاهِرَ وَ بَوَاطِنَ، ادناها ما يكون في قشور الالفاظ و قبور التعينات.

كما ورد إنَّ لِلْقُرْآنِ ظَهْرًا وَ بَطْنَاً وَ حَدًّا وَ مَطْلَعًا» (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۳۸)

«برای قرآن منازل و مراحل و ظواهر و باطن هایی است که پایین ترین مرتبه آن در پوسته الفاظ و گورهای

تعینات است چنانچه در حدیث آمده است: «همانا برای قرآن ظاهر و باطن و حدی و مطلعی است.»

حضرت امام خمینی بسنده کردن به ظاهر قرآن و بازماندن از مغز و ژرفای آن را مرگ و

هلاکت آدمی می داند و بر این باور است که همه جهالت ها و انکار نبوت ها و ولایت ها

ریشه در عدم درک درست قرآن کریم دارد. (همان: ۵۹)

### دیدگاه عبدالله بن یونس تستری

بر اساس نقل زرکشی، تستری درباره گستره بی کران معانی آیات و واژه های قرآن کریم می گوید:

«لو اعطى العبد بكل حرف من القرآن الف فهم لم يبلغ نهاية ما اودعه الله في آية من كتابه لأنه كلام الله

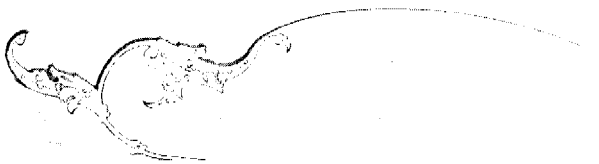
و كلامه صفتة و كما أنه ليس لله نهاية فكذلك لا نهاية لفهم كلامه»

(زرکشی، ۲۰۰۱: ج ۱، ۳۰-۲۹)

«اگر به انسان هزار فهم در ازای هر حرفی از قرآن کریم داده شود، به نهایت و پایان آنچه خداوند در

یک آیه از کتابش به ودیعه گذاشته نمی رسد، زیرا قرآن کلام خداست و کلام خدا صفت اوست و همان

گونه که خداوند بی نهایت است فهم کلام او نیز نهایتی ندارد.»



زرکشی در جای دیگر همین دیدگاه را آورده و چنین می گوید:

«و ذکر بعضهم ان احرف القرآن فی اللوح المحفوظ کل حرف منها بقدر جبل قاف و ان تحت کل حرف معان لا یحیط بها الا الله عزوجل» (همان: ج ۱، ۲۹۱)

«برخی گفته اند که قرآن در لوح محفوظ، هر حرفی از آنها به اندازه کوه قاف است و زیر هر حرفی از قرآن مجموعه ای از معانی است که کسی جز خدا بر آنها احاطه ندارد.»

### دیدگاه بدرالدین زرکشی

وی پس از مطرح کردن بحثی درباره گستره بی انتهای معانی آیات قرآنی و اشاره به برخی از این دیدگاه ها در این باره می گوید:

«العلوم كلها داخلة فی افعال الله و صفاته و فی القرآن شرح ذاته و صفاته و افعاله» (همان: ۳۰)

«تمامی دانش ها داخل در افعال و صفات الهی می باشند و قرآن کریم نیز شرح ذات و صفات و افعال الهی است»

بنابراین ما برای ایمان نیازمند معرفت و شناخت هستیم. چنان که برخی معتقدند که معرفت بر ایمان مقدم می باشد. (جمالی، ۱۳۸۹: ش ۲، ۱۶)

### دیدگاه جلال الدین سیوطی

وی که از قرآن پژوهان معروف و کم نظیر است درباره گستره معانی آیات قرآن آورده است:

«و ان تحت کل حرف منه معانی لا یحاط بها کثرة فلا یقدر احدٌ ان یأتی بدله بما یشتمل علیه»

(سیوطی، بی تا: ج ۱، ۵۹)

«برای هر حرفی از قرآن کریم معانی بسیار فراوانی است که احاطه بر آن معانی مقدور نیست»

بدین جهت کسی نمی تواند همانند آن را بیاورد. زیرا وحی یک سری گزاره ها است که بر نبی القا می شود. (جمالی، ۱۳۸۹: ش ۲، ۱۶)

## دیدگاه سید محمود آلوسی

وی که یکی از مفسران و فقهای برجسته اهل سنت و در زمان خود مفتی بغداد نیز بوده است در تفسیر خود در این باره سخنی به شرح زیر دارد:

برای کسی که بهره‌ای از خرد و ذره‌ای ایمان داشته باشد سزاوار نیست که منکر بطون قرآن شود. بطونی که مبدأ فیاض بر قلب هر بنده‌ای که بخواهد افاضه می‌کند. من نمی‌دانم منکران چه می‌کنند با این آیه‌ها:

«و تَفْصِيلاً لِّكُلِّ شَيْءٍ» (انعام: ۱۵۴)

«وَمَا فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ» (انعام: ۶)

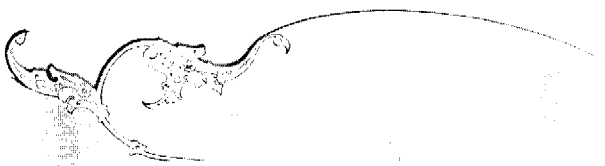
به خدا سوگند در شگفتی، چه سان برای دیوان متنبی (شاعر معروف عرب) معانی فراوانی احتمال می‌دهند ولی برای کلام وحیانی الهی که بر آخرین پیامبر نازل شده است معانی نهفته در ورای الفاظ و کلمات را باور ندارند.

«سُبْحَانَكَ هَذَا بُهْتَانٌ عَظِيمٌ» (نور: ۱۶)

هیچ حادثه‌ای در گذر زمان اتفاق نمی‌افتد که قلم تقدیر بر آن باشد مگر اینکه در قرآن به آن اشارتی رفته است.

لازم به یادآوری است که این واقعیت یعنی برخورداری قرآن کریم از گستره‌ی معانی نامحدود و ژرف در کلام و سخن بسیاری از اندیشمندان مسلمان انعکاس یافته است که برای پرهیز از طولانی شدن بحث از ذکر آنها خودداری می‌کنیم.

در مباحث پیش معنای لغوی و اصطلاحی ظهر و بطن را در مفهوم شناسی بررسی کردیم و پس از آن با دیدگاه برخی از اندیشه‌وران قرآنی در این باره آشنا شدیم. اکنون به روایات مربوط به این بحث می‌پردازیم که در روایات با عنوان ظهر و بطن و یا ظاهر و باطن مورد توجه است و همواره به وجود بطون به عنوان یک اصل مسلم، کلی و فراگیر در آیات قرآنی از سوی معصومان تأکید شده است و شاید به همین دلیل باشد که گستردگی معانی و عمق و ژرفای آنها یکی از اسرار جاودانگی قرآن کریم است و در حقیقت چنان که در مقدمه آوردیم





مبتنی بر باور به کلام الهی بودن قرآن کریم است. قطعاً گستردگی معانی فراوان از درون آیات محدود و لا یتغیر قرآن کریم مبتنی بر همین واقعیت است که اتصال آن به دریای بیکران علم الهی همواره پاسخگوی جستجوگران معارف بوده و به تناسب نیازهای نامحدود عصرها و نسل ها پاسخ هایی متناسب را دارا است.

## روایات

### قرآن و شگفتی های بیشمار

از پیامبر (ص) نقل شده که فرموده اند:

«فَإِذَا التَّبَسُّتَ عَلَيْكُمْ الْفِتْنُ كَقَطْعِ الدَّلِيلِ الْمَظْلَمِ فَعَلَيْكُمْ بِالْقُرْآنِ فَإِنَّهُ شَافِعٌ مُشَفَّعٌ وَمَا حَلَّ مَصْدُقٌ وَمَنْ جَعَلَهُ إِمَامَةً قَادَةً إِلَى الْجَنَّةِ وَمَنْ جَعَلَهُ خَلْفَةً سَاقَهُ إِلَى النَّارِ وَهُوَ الدَّلِيلُ يَدُلُّ عَلَى خَيْرِ سَبِيلٍ وَهُوَ كِتَابٌ فِيهِ تَفْصِيلٌ وَبَيَانٌ وَتَحْصِيلٌ وَهُوَ الْفَصْلُ لَيْسَ بِالْهَزْلِ وَ لَهُ ظَهْرٌ وَ بَطْنٌ فَظَاهِرَةٌ حَكْمٌ وَ بَاطِنَةٌ عِلْمٌ ظَاهِرَةٌ انْتِقَى وَ بَاطِنَةٌ عَمِيقٌ لَهُ نَجْوٌ وَعَلَى نَجْوَمِهِ نَجْوْمٌ لَا تَحْصِي عَجَائِبَهُ وَ لَا تَبْلِي غَرَائِبَهُ فِيهِ مَصَابِيحُ الْهُدَى» (کلبینی، ۱۴۰۱: ج ۲، ۵۹۹)

«پیامبر اسلام فرمود: پس هرگاه آشوب ها چون شب تار شما را فرا گرفت به قرآن پناه آورید( و بدان چنگ زنید) و گزارش دهنده از بدیها است که گفته اش(درباره آن کس که بدان عمل نکرده) تصدیق شده است، هر که آن را پیشوای خود کرد به بهشتش رهبری کند و هر که( از آن پیش افتاد) و آن را پشت سر خود قرار داد به دوزخش کشاند و قرآن راهنمایی است که به بهترین راه ها راهنمایی کند و کتابی است که در آن تفصیل و بیان و تحصیل( به دست آوردن حقایق)و آن جدا کننده است( میان حق و باطل) شوخی و سرسری نیست. برای آن ظاهری است و باطنی، پس ظاهرش حکم و دستور است و باطنش علم و دانش، ظاهرش جلوه و زیبایی دارد و باطنش ژرف و عمیق است. ستارگانی دارد و ستارگانش هم ستارگانی دارند. شگفتی هایش به شماره در نیاید و عجایش کهنه نگردد. در آن است چراغ هدایت و.....»

## قرآن و معانی فراوان

پیامبر اکرم (ص) می فرماید:

«إِنَّ لِلْقُرْآنِ ظَهْرًا وَ بَطْنَ وَ لَبْطَنَهُ بَطْنٌ أَلَى سَبْعَةِ أَبْطُنٍ» (فیض کاشانی، ۱۳۷۴: ج ۱، ۴)  
 «برای قرآن ظاهری است و باطنی و برای باطن آن باطن دیگری است تا هفت بطن»

## قرآن و حدود معانی آن

فریابی از سفیان و او از یونس بن عبید و او از حسن نقل می کند:

«قال رسول الله (ص): لكل آية ظهرٌ و بطنٌ و لكل حرفٍ حدٌ و لكل حدٌ مطلعٌ» (سیوطی، بی تا: ج ۲، ۲۳۶)  
 «پیامبر اکرم (ص) فرمود: برای هر آیه (از آیات قرآن) ظهر و بطنی است، و برای هر حرفی از آن حدی است و برای هر حدی هم مطلعی است.»

## قرآن و تعدد معانی

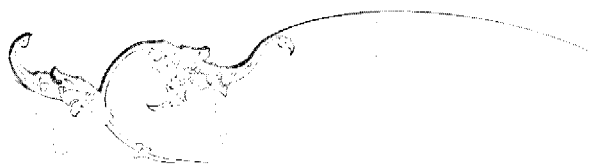
«عن ابن مسعود قال: قال رسول الله (ص): أنزل القرآن على سبعة أحرفٍ لكل آية منه ظهرٌ و بطنٌ»  
 (زرکشی، ۲۰۰۱: ج ۲، ۱۷۰)

«پیامبر اسلام (ص) فرمود: قرآن بر هفت حرف نازل شده است که هر آیه ای از آن ظهر و بطن دارد.»

## قرآن و بیانی فراسو

«و عن أمير المؤمنين قال: ما من آيةٍ إلا و لها أربعة معانٍ، ظاهرٌ و باطنٌ و حدٌ و مطلعٌ فالظاهر التلاوة، و الباطن الفهم، و الحدُّ هو احكامُ الحلال و الحرام و المطلع هو مرادُ الله من العبد بها»  
 (فیض کاشانی، ۱۳۷۴: ج ۱، ۳۱)

«از امیرالمؤمنین نقل شده که فرموده: هیچ آیه ای در قرآن نیست مگر اینکه چهار معنا دارد: ۱. ظاهر ۲. باطن ۳. حد ۴. مطلع، ظاهر قرآن همان تلاوت است و باطن آن فهم است، حد آن احکام حلال و حرام است و مطلع همان چیز است که خداوند از بنده اش می خواهد.»



## قرآن و اسرار نهفته

«امام علی(ع): و إن القرآن ظاهره انیق، و باطنه عمیق، لا تفنی عجائبه و لا تنقضی غرابیه و لا تکشف الظلمات إلا به» (دستی، ۱۳۸۰: خطبه ۱۸، ۴۲)

«قرآن ظاهرش زیبا و باطنش ژرف و نابیداست، شگفتیهایش تمام نمی شود و اسرار نهفته آن پایان نمی پذیرد و تاریکی ها جز با قرآن برطرف نشود.»

## قرآن و پرتو افشانی همیشگی

فضیل بن یسار از امام باقر(ع):

«قال: سألت ابا جعفر(ع) عن هذه الراوية ما من القرآن آیه الا و لها ظهْرٌ و بطنٌ، فقال: ظهْرُه تنزِيلُه، و بطنُه تأویلُه، منه ما قد مضى، و منه ما لم یکن، یجری کما یجری الشمس و القمر...»

(مجلسی، ۴۰۳ق: ج ۸۹، ۹۷)

«فضیل بن یسار گفت: از امام باقر(ع) در باره این روایت سؤال کردم: هیچ آیه ای از قرآن نیست مگر آنکه ظاهر و باطنی دارد، امام(ع) در پاسخ فرمود: ظاهر قرآن همان نزول آن و باطنش تأویل آن است، برخی از قرآن تحقق یافته و برخی از قرآن تحقق نیافته است، قرآن همانند خورشید و ماه در حال جریان و پرتو افشانی است.»

## قرآن و آموزه های فرا عقلی

«جابر قال: سألت أبا جعفر(ع) عن شیءٍ فی التفسیر القرآن فأجابنی ثم سألته ثانیةً فأجابنی بجواب آخر فقلت: جعلک فداک کنت اجبت فی هذه المسألة بجواب غیر هذا قبل الیوم؟ فقال لی یا جابر أن للقرآن بطناً و للطن بطن و له ظهْرٌ و للظهْر ظهْرٌ یا جابر و لیس شیءٌ ابعُد من عقول الرجال من تفسیر القرآن انّ الایة لتکون اولهت فی شیءٍ و هو کلام متصل یتصرف علی وجوه» (همان: ۹۵)

«جابر بن یزید جعفی می گوید: از امام باقر(ع) تفسیر آیه ای را جویا شدم، امام پاسخی داد. در فرصتی دیگر درباره تفسیر همان آیه سؤال کردم، امام پاسخی دیگر داد. به امام عرض کردم پیشتر در پاسخ به

همین سؤال جواب دیگری غیر از این دادید؟ امام(ع) فرمود: ای جابر قرآن بطنی دارد و بطن آن نیز بطنی و ظهری دارد و ظهر آن نیز ظهری، ای جابر هیچ چیز به اندازه تفسیر قرآن از عقل مردمان دور نیست. اول آیه درباره چیزی است و آخر آن درباره چیزی دیگر و آن سخن به هم پیوسته ای است که به چند گونه قابل معناست.»

### قرآن و ضرورت عمل به آن

«حمران بن اعین، عن ابی جعفر(ع) قال: ظهر القرآن الذین نزل فیهم، و بطنه الذین عملو بمثل اعمالهم.» (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۸۹، ۹۴)

حمران بن اعین از امام باقر(ع) نقل می کند که فرمود: ظهر قرآن همان افرادی هستند که قرآن درباره آنان نازل شده و بطن قرآن آنان هستند که به شیوه آنان رفتار می کنند.

### قرآن و فهم برتر

«عن جابر، عن ابی جعفر(ع) انه قال: انه ما يستطيع احد ان يدعی ان عنده جميع القرآن كله ظاهره و

باطنه غير الاوصياء.» (کلینی، ۱۴۰۱ق: ج ۱، ۳۳۲)

امام باقر(ع) فرمود: کسی قادر نیست ادعا کند که ظاهر و باطن تمام قرآن نزد اوست، جز اوصیای پیامبر(ص).

### قرآن و غایتی بی انتها

ابن ابی حاتم از ضحاک و او از ابن عباس نقل می کند:

« ان القرآن ذو شجون و فنون و ظهور و بطون، لا تنقضي عجائبه و لا تبلغ غایته...»

(الوسی، ۱۴۰۵ق: ج ۱، ۷)

قرآن پیچیدگی ها، روش ها، ظاهر ها و بطن هایی دارد، شگفتی هایش پایان نمی پذیرد و غایتش پیموده نشود. لازم به یادآوری است آنچه از روایات نقل شد از باب نمونه بود، و آلا روایات وارد شده در این باره



بسیار فراوان است و خوانندگان محترم می توانند به منابع دیگر مراجعه کنند.

### نتیجه گیری

آنچه از روایات وارد شده درباره ظهر و بطن به دست می آید این است که:  
اول: هیچ گونه تردیدی وجود ندارد که آیات قرآنی دارای گستره معنایی بس وسیع بوده  
به گونه ای که دستیابی به تمامی آنها میسر نمی باشد.

دوم: وجود چنین روایاتی چنان که برخی از اندیشمندان معاصر بیان کرده اند یا متواتر  
است (خویی، ۱۴۱۰: ج ۱، ۲۱۴؛ معرفت، ۱۳۷۹: ج ۱، ۹۹) و یا مستفیض (عاملی اصفهانی، ۱۳۰۳: ۳) و  
بنابر این جای هیچ گونه تردیدی در آنها نیست ولو برخی از آنها از حیث سند دچار ضعف  
باشند.

سوم: قرآن کریم دارای چنان ظرفیتی است که توان پاسخگویی به پرسش های مرتبط  
با حوزه دین را در هر زمانی داراست.

چهارم: این ویژگی در قرآن کریم می تواند سبب جاودانگی آن تلقی شود و فهم ها و  
برداشت های جدید از آن را تا همیشه زمان ها استمرار و دوام بخشد و بنابراین اعتقاد به  
ابدیت و جاودانگی قرآن کریم که از باورهای همه مسلمانان از صدر اسلام تاکنون است می  
تواند ریشه در این عامل و عوامل دیگر داشته باشد.

پنجم: از آنجا که متن قرآن کریم وحیانی و از خداوند متعال است و خدا فوق زمان ها و  
مکان ها و دارای علم نامحدود و محیط بر همه نظام هستی و حوادث آن است، پس کلام او  
هم فراتر از زمان و مکان خاص است و به گونه ای است که متناسب با نیازهای عصرها و نسل ها  
در اختیار بشر قرار گرفته است بدون آنکه در ظاهر الفاظ آن کوچکترین تغییری حاصل شود.  
امید است این پژوهش خدمتی ناچیز به ساحت قدسی قرآن کریم به حساب آمده و خوانندگان  
را سودمند باشد.

## کتابنامه

قرآن

نهج البلاغه. ترجمه دشتی.

آخوندی خراسانی، محمدکاظم. ۱۳۸۰. کفایه الاصول. ج ۲. تهران: المکتبه العلمیه الاسلامیه.

الوسی، سید محمود. ۱۴۰۵. روح المعانی. بیروت: داراحیاء التراث العربی.

ابن منظور، محمدبن مكرم. ۱۴۱۴. لسان العرب. ج ۳. بیروت: دار صادر.

ابوفراس، ورام بن ابوفراس. ۱۴۰۰. مجموعه ورام تنبیه الخواطر. تهران: دارلکتب العلمیه.

بحرانی، سیدهاشم. ۱۴۱۵. البرهان فی تفسیر القرآن. تهران: بنیاد بحث.

بروجردی، حسین. ۱۳۷۵. نهایه الاصول. قم: ایران.

جعفری، محمد تقی. ۱۳۷۱. ترجمه و تفسیر نهج البلاغه. ج ۲. تهران: نشر فرهنگ اسلامی.

جوادی عاملی، عبدالله. ۱۳۷۹. تفسیر تنسیم. ج ۲. قم: مرکز نشر اسراء.

جمالی، فریاد. ۱۳۸۹. «ایمان گرایی در مسیحیت و اسلام». فصلنامه دین پژوهی و کتابشناسی قرآنی فدک.

جیرفت. س ۱. ش ۲.

خمینی، روح الله. ۱۳۷۴. تفسیر سوره حمد. ج ۱. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد. ۱۴۱۶. المفردات فی غریب القرآن. بیروت: ذوی القربی.

زرکشی، بدرالدین. ۲۰۰۱. البرهان فی علوم القرآن. بیروت: دارلفکر.

سیوطی، جلال الدین. بی تا. الاتقان فی علوم القرآن. بیروت: دارالمعرفه.

تیمرازی، سید محمد. ۱۴۰۰. تقریب القرآن الی الاذهان. بیروت: مؤسسه الوفاء.

صادقی، محمد. بی تا. الفرقان فی تفسیر القرآن. تهران: کتابفروشی علمیه اسلامی.

طبرسی، فضل بن الحسن. بی تا. مجمع البیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دارالمعرفه.

عربی، محی الدین. ۱۴۰۵. تفسیر ابن عربی. بیروت: دار صادر.

غزالی، محمد. بی تا. احیاء علوم دین. بیروت: دارلجلیل.

فخر رازی. بی تا. التفسیر الکبیر. بیروت: مؤسسه التاریخ العربی.

کلینی، محمدبن یعقوب. ۱۴۰۱. الکافی. الطبعه الرابعه. بیروت: دارصعب دارالتعارف.

مجلسی، محمدباقر. ۱۴۰۳. بحار الانوار. بیروت: داراحیاء التراث العربی.



مطهری، مرتضی. ۱۳۷۷. آشنایی با قرآن. ج ۱۴. تهران: انتشارات صدرا.  
معرفت، محمد هادی. ۱۳۷۹. تفسیر و مفسران. ج ۱. قم: مؤسسه فرهنگی و انتشاراتی التمهید.  
نهایندی، محمد بن عبدالله. بی تا. نفحات الرحمن فی التفسیر القرآن. تهران: علمی.

